



روند شکل گیری حکومت مادها بر اساس کتیبه های آشورنو در سده های نهم و هشتم پیش از میلاد

منصور حمدالله زاده^۱

^۱ پژوهشگر تاریخ و مدرس دانشگاه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: mansour001@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله:
چالش برانگیزترین پژوهش ها در تاریخ ایران باستان، مربوط به پژوهش در دوره ماد و ریشه های آن می باشد. محقق تاریخ، ناگزیر استفاده از منابع و گزارش های هم عصر غیر مستقیم و در بیشتر موارد دشمن، که تقریباً منحصر به کتیبه های آشورنو هست، می باشد. احتیاجات بازرگانی و تجارت مردمان دنیای شرق و غرب در آن روزگار از جاده خراسان بزرگ تامین می شده است و این مهم، خود عامل اصلی یورش آشوریان برای تسلط بر شاهراه های تجاری می باشد. در سالیان اخیر توسط برخی پژوهشگر، به وجود اقوام حکومت گر مادها تشکیک گردیده است. این پژوهش با بررسی مجدد کتیبه های آشوری، به دنبال حضور و گستره اقوام ماد و روند شکل گیری حکومت ایشان در این دو سده می باشد. تدقیق در این منابع به لحاظ اهمیت موضوع و تاباندن روشنایی به دانش تاریخی خود در این برهه، ایجاب می نماید، از زوایای مختلف منابع در دسترس را بررسی نموده تا بتواند حکومت مادها و سیر تحول ایشان را به عنوان پایه گذار شاهنشاهی ایرانی، مورد ارزیابی قرار داده و بر دانش خود در این مقطع از تاریخ مملو از ابهام ماد، بیافزاید. به جهت نوع داده های اشاره شده، روش پژوهش در این مقاله، توصیفی و تحلیلی و در جمع آوری اطلاعات نیز بر روش کتابخانه ای تکیه گردیده است.	تاریخ ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶ واژگان کلیدی: ماد آشور حکومت ماد مادهای قرن نهم پ.م. مادهای قرن هشتم پ.م.

* استناد: حمدالله زاده، منصور (۱۴۰۴). روند شکل گیری حکومت مادها بر اساس کتیبه های آشورنو در سده های نهم و هشتم پیش از میلاد. پیام

باستان شناس، ۱۷ (۳۳)، ۵۱-۳۹.

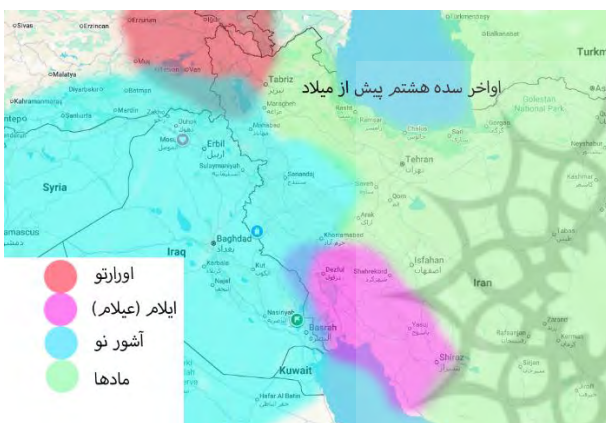
<https://doi.org/10.71794/PEB.2026.1212238>

۱. مقدمه

این اقوام، در ساخت پادشاهی قدرتمند، قابل توجه بوده است (شکل‌های ۱ و ۲).



شکل ۱. موقعیت اقوام ماد و سایر اقوام (نگارنده)



شکل ۲. موقعیت مادها در سال‌های پایانی سده هشتم پیش از میلاد (نگارنده)

توجه اصلی این پژوهش، بررسی وجود اقوام حکومت‌گر ماد و روند، عوامل و چگونگی تکامل این حکومت در فلات ایران و آثار تاثیرگذار لشکرکشی‌های پادشاهان آشورنو می‌باشد. به لحاظ ماهیت این بررسی، از روش توصیفی و تحلیلی برپایه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای مستقر است. در مطالعات دنیای متمدن، فلات ایران و در این سرزمین، اقوام حکومت‌گر و سرآمد ایشان، مادها، نقطه تلاقی بسیاری از اندیشه‌ها و نظریات دانشمندان این حوزه بوده است. از پژوهشگرانی که منکر وجود حکومت مادهستند گرفته تا کسانی که با قلم‌فرسایی به تشریح این اقوام و حکومت ایشان پرداخته‌اند. صدرنشین دسته اول خانم هلن سانسسی وردینبرگ (Sancisi-Weerdenburg) هلندی است که طی مقالات (1988, 1994, 1995) وجود

قبل از روی کار آمدن پادشاهان آشور نو، و تا حوالی قرن سیزده پیش از میلاد، کاسی‌ها صدها سال بود که بر بین‌النهرین و بابل حکومت می‌کرده‌اند. به لحاظ اشتراکات و نزدیکی‌های فرهنگی و زبانی شناخته شده، این اقوام را کم‌وبیش نزدیک به نژاد هند و ایرانی دانسته‌اند (بهزادی، ۱۳۶۹: ۱۳۲۰؛ Zadok, Encyclopedia: 2015). به نظر می‌رسد تجربه و حکومت‌داری ایشان در مردمان منطقه به همراه عوامل دیگر برای تحولی بزرگتر مورد استفاده در آینده این سرزمین مفید واقع گردیده است. در بررسی اواخر هزاره دوم پ.م. از گزارش‌های پادشاهان آشور سود می‌بریم. شروع سده سیزدهم پ.م. همراه با به قدرت رسیدن اددنیراری اول^۱ (حدود ۱۳۰۰ پ.م.) شاه جاه‌طلب، بلند پرواز و قدرتمند آشور بوده است. دوران جدیدی که برای آشور رقم خورد را ما آشورنو می‌نامیم. در اوان برآمدن آشور نو، اددنیراری اول (۱۲۹۵-۱۲۶۴ پ.م.) با شکست ناسیماراتاش^۲ آخرین حاکم کاسی‌ها (Britannica, 2020) که به نظر از خانواده اقوام هند و ایرانی یا کمینه، از اقوام بومی فلات و زاگرس نشین بوده‌اند، در میان‌رودان، توانست به استیلای طولانی کاسی‌ها پایان دهد. شاه آشور، گزارش و شرح پیروزی‌های خود بر کاسی‌ها و لولوبی^۳ و گوتی^۴ و شوبری^۵ را در کتیبه‌ای (Budge & King, 1902: 4; Luckenbill, 1926: 27) بر جای گذاشته است. از این متن می‌توان متوجه شد که از هزاره‌های سوم و دوم پ.م. این زاگرس نشینان در منطقه دارای حکومت بوده‌اند و میراث خود را به سالیان آتی به ارث نهاده‌اند. هر چند اخبار اقوام ماد از قرن نهم پیش از میلاد (گزارش شلمانصر سوم) در کتیبه‌ها و سالنامه‌ها آورده می‌شود. با این حال حکومت‌های ایرانی در این سرزمین قبل از ماد، در اورارتو^۶ یا آشور ادغام گردیده‌اند. تجربه تیره‌های دیگر

1. Kassites

2. Adad-nirari I

3. Nazimaruttash - Na-zi-Ma-ru-ut-ta-aš

4. Lullumê

5. Gutians

6. Šubareans

7. Urartian

رسیده است، می‌باشد، مربوط به قرن نهم پیش از میلاد و شلمانصر سوم از پادشاهان آشور نو (جدول ۱) می‌باشد و بدین منظور بحث پژوهش را با کتیبه مذکور آغاز می‌کنیم.

۲. داده‌های کتیبه‌های شلمانصر سوم^۸ (۸۲۴-۸۵۸ پ.م.) و تحلیل آنها

از آثار و کتیبه‌های بدست آمده، قدیمی‌ترین گزارشی که خبر مستقیم از ماد می‌دهد، مربوط به امپراتوری آشور نو و شاه معروف سده نهم پ.م. آن، شلمانصر سوم است. شلمانصر سوم در طول حدود ۳۴ سال حکومت خود ضمن پیروی از سیاست‌های پدر (آشورناسیرپال دوم^۹ ۸۸۳-۸۵۹ پ.م.) و برای تسهیل تجارت و پاکسازی مسیرهای بازرگانی که هنوز حاکمانی متمرکز بر آن سرزمین‌ها حکمرانی می‌کردند، اقدام به توسعه نظامی و لشکرکشی‌های متعددی نمود. در اورارتو، آرامه^{۱۰} (حدود ۸۴۰-۸۵۹ پ.م.) اولین پادشاه شناخته شده و ساردوری اول^{۱۱} (۸۴۰-۸۳۰ پ.م.) دومین آنها، پادشاهانی بودند که در گزارش لشکرکشی‌های شلمانصر مذکور است. ورود لشکریان وی به مناطق تحت تسلط مادها را می‌توانیم بر روی سنگ آهک معروف به استوانه سیاه که امروزه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (شکل ۳) و حاوی گزارش لشکرکشی در بیست و چهارمین سال حکومتش بوده است را مشاهده نماییم. این پادشاه، در طول حکومت خود، بارها به دامنه‌های زاگرس غربی لشکرکشی کرده است و شرح پیروزی‌های خود را در کتیبه‌های مختلف به یادگار گزارده است. این کتیبه‌ها برای اطلاع از نقاط جغرافیایی و اقوام ساکن این سرزمین‌ها، به مانند چراغی است که می‌تواند تا حدود زیادی به پهنه تاریکی تاریخی مناطق مذکور، روشنایی بخشد. کتیبه پیش گفته شده، که حاوی رخ‌دادهای سال ۸۳۵ پ.م. است، این‌گونه بیان می‌دارد: «در بیست و چهارمین سال سلطنتم، از زاب‌سفلی^{۱۲} عبور کردم. از طریق کوه هاشمور^{۱۳} به

حکومت ماد را زیر سوال برده و پیروی، رولینگر (Robert Rollinger, 1999, 2003, 2008) و بورکهارت کیانست (Burkhart Kienast, 1999) و برخی دیگر نقدهایی برای موجودیت این حکومت پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند. در مقابل، پژوهشگرانی نیز همچون دیاکونف (۱۳۹۵)، داندامایف (۱۴۰۰)، ملک‌زاده (۱۳۹۲، ۱۳۸۰ و ۱۴۰۲)، ملازاده (۱۳۹۴) و دیگران، به تشریح و تبیین آثار و حکومت ماد پرداخته‌اند. پژوهشی نیز توسط نووتنی و فیروزی (Novotny & Firouzi, 2023) با موضوع نزدیک به این پژوهش انجام گرفته است.

جدول ۱. فهرست پادشاهان آشور نو از ۸۵۸ تا ۷۰۵ پ.م.

ردیف	سال		پادشاه
	از	تا	
۱	۸۵۸	۸۲۴	شلمانصر سوم
۲	۸۲۳	۸۱۱	شمشی‌اداد پنجم
۳	۸۱۰	۷۸۳	اددنیراری سوم
۴	۷۸۲	۷۷۳	شلمانصر چهارم
۵	۷۷۲	۷۵۵	آشوردان سوم
۶	۷۵۴	۷۴۵	آشورنیراری پنجم
۷	۷۴۵	۷۲۷	تیگلت‌پیلسر سوم
۸	۷۲۷	۷۲۲	شلمانصر پنجم
۹	۷۲۲	۷۰۵	سارگون دوم

در این بین تدقیق و ردیابی این اقوام در بدو پیدایش و سیر تکامل ایشان با تکیه بر متون آشوری برجای مانده، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این اقوام (نقشه ۱) تا جایی که تا سده‌های آتی با وجود سلسله هخامنشیان، این سرزمین و مردمانش را مادی می‌شناسند، لازم می‌دارد که با دقت و سواس‌گونه نگاهی موشکافانه به ریشه‌های وجودی آن نگریده شود. اولین سنگ‌نبشته‌ای که حاوی گزارشی از ماد در دنیای باستان که تا کنون به دست ما

⁸. Shalmaneser III

⁹. Ashurnasirpal II

¹⁰. Arame

¹¹. Sarduri I

¹². Lower Zab

¹³. Mount Ḥašimur

نام اقوام و جای‌نام‌های متعددی در کتیبه آورده شده است. رود زاب سفلی، کوه‌های هاشیمور، سرزمین نامری، ایانزو، سرزمین پارسوا، سرزمین‌های مسی و ماد (اماتا)، آرازیاش، خارخار و تعدادی دیگر که مختصر به آنها اشاره می‌کنیم.

رود زاب سفلی (کوچک)، رودی است که از ارتفاعات زاگرس شمالی و از کوه‌های این منطقه از جمله سپیاز واقع در اشنویه و کوه‌های پیرانشهر آذربایجان غربی سرچشمه گرفته (بادنج، ۱۳۹۰: ۱۳۶) و بعد از به هم پیوستن آب‌های روان محلی از سمت شرق سردشت در مسیر جنوب جاری گردیده و در جنوبی‌ترین نقطه این شهرستان خود را به مرز ایران و عراق می‌رساند. در ادامه مسیر، در حدود سی کیلومتر به سمت شمال غربی، مرز بین دو کشور را تشکیل داده و سپس وارد خاک عراق گشته و بعد از گذر از سلیمانیه، اربیل و کرکوک به دجله می‌ریزد. به نظر می‌رسد این رود در جنوب و جنوب شرقی آشور، حائل بین سرزمین نامری از سوی شرق و بابل^{۲۴}، از سوی جنوبی، وی در کتیبه‌ای دیگر و لشکرکشی بیست سال قبل به جنوب و سرکوب شورش در بابل، از زاب کوچک گذشته (BM 124665 Blawat Inscription, Grayson 1996: 30) و نام نبرد از اربیل، همچنان‌که در شانزدهمین سال از سلطنت خود نیز طی لشکرکشی به مناطق پارسوا و مانائیه^{۲۵}، از اربیل به عنوان شهر در مسیر نام می‌برد، ولی این بار ترجیح می‌دهد مسیر جنوبی و گذر از زاب کوچک را انتخاب نماید و ناآرامی در نامری را هم سرکوب نماید. در این مسیر و قبل از منطقه عمومی سلیمانیه، کوه‌هایی وجود دارد که می‌توان کوه هاشیمور را به آن کوه‌ها جانمایی نمود (کوهستان شمالی جنوبی شرق استان سلیمانیه عراق). با توجه به این که شمش‌آداد پنجم^{۲۶} (۸۲۳-۸۱۱ پ.م.) در لشکرکشی پنجمین سال سلطنت خود برای آرام کردن شورش‌های بابل نیز از همین مسیر اما به سمت جنوب گذشته است. در نهایت نامری پس از کوهستان هاشیمور،

سرزمین نامری^{۲۴} رفته از نامری خارج شدم. هدایای ۲۷ پادشاه سرزمین پارسوا^{۲۵} را قبول کردم. از پارسوا به سرزمین‌های مسی^{۲۶} و ماد^{۲۷} رفته، اول به سرزمین‌های آرازیاش^{۲۸} و خارخار^{۲۹} فرود آمدم. شهرهای کواکیندا^{۳۰}، هازانابی^{۳۱} (ترزنابی: 206 Luckenbill, 1926)، اسامول^{۳۲}، کینابلایلا^{۳۳}، و شهرها و آبادی‌های آنها را تصرف کردم....» (Grayson, 1996: 67).



شکل ۳. ستون سنگی سیاه - شلمانصر سوم (۸۲۴-۸۵۹ پ.م.)، موزه بریتانیا شمار ۱۱۸۸۸۵.

این متن بر روی ستون هرمی سیاه رنگی که لایارد در سال ۱۸۴۶ در کاله کشف کرد نوشته شده است. این هرم سنگی که تقریباً سالم بدست آمده است در چهار طرف که هر طرف آن به پنج قسمت تقسیم شده است که نقش برجسته‌هایی از آثار پادشاه آشور را به تصویر می‌کشند که بر بالای هر قسمت کتیبه‌ای وجود دارد که صحنه را توصیف می‌کند. در اطراف این هرم متن پیوسته‌ای وجود دارد که اتفاقات تا سال ۳۱ سلطنت خود را روایت نموده است. البته چند لشکرکشی آخر مذکور در این هرم، توسط سردار آشوری او، دایان-آشور، رهبری شده آورد. این هرم حدود دو متر ارتفاع دارد.

14. Namri

15. Parsua

16. Missi

17. Media (Amadāyu)

18. Araziaš

19. Harhār

20. Kuakinda

21. Hazzanabi

22. Esamul

23. Kinablila

24. Babylon

25. Mannea

26. Shamshi-Adad V

به نظر منطقه امروزی مناطق عمومی سلیمانیه و پنجوین باشد. شلمانصر سوم پس از این سرزمین، وارد مناطق مرزی پارسوا و ماد و مسی می‌گردد. خارخار از شهرهای مهم ماد بوده که در جریان این لشکرکشی نقش برجسته‌ای از خود در آنجا باقی می‌گذارد. خارخار را میتوان در منطقه ماهیدشت کرمانشاه جانمایی نمود (Yamada, 1996:287). لشکران آشور، به سمت شمال و شمال شرقی و غربی یعنی سرزمین‌های ماد و مسی تغییر مسیر داده‌اند، با توجه به اقدامات پادشاه پارسوا، و تقدیم هدایا و تبعیت خود، نیازی به ورود لشکریان و درگیر شدن در آن سرزمین نبوده است. با در نظر گرفتن نوشته‌های این این کتیبه، باید مناطق مریوان، سندیج، نوسود، پاوه، دالاهو، سرپل‌ذهاب و جوانرود، سرزمین‌های پارسوای مذکور در کتیبه باشد.

iii
27 畢銀人三命六廿五三四三

[illegible]

iii 29 圖書集成醫部全錄彙編

iii
30 皇朝文獻通考

iii
31

iii 金 丰 子 金 命 一 今 三 下 以 顺 工 禾 云 一 至 人 命 其 田 命 其 田

32

33 三才圖會 卷之二十一 雜考 三才圖會

iii
34

iii 35 集韻 西 由 金 山 公 由 命 子 二 命

iii
36 | 今 下 由 三 五 六 七 八 九 十

۳. داده‌های کتیبه‌های شمش‌ی اداد پنجم (۸۲۳-۸۱۱ ب.م.) و تحلیل آن‌ها

شمشی اداد پنجم، اگر ترتیب نگارشی (ترتیب زمانی) که Grayson برای کتیبه مذکور ارائه داده است را بپذیریم، ابتدا از لشکرکشی خود به گیزیل‌بوندا و غارت و ویرانی آنجا یاد می‌کند سپس متعاقب آن در بندی دیگر خبر از تهاجم خود به سرزمین مادها می‌دهد. بیشتر، دیاکونوف،

27. Van

شهرهای مختلفی را به‌وجود آورد و این حداقل توصیفی هست که می‌توان با کمک این کتیبه انجام داد.

۴. داده‌های کتیبه‌های اددنیراری سوم^{۳۱} (۷۸۳-۸۱۰ پ.م.) و تحلیل آن‌ها

بعد از شمش‌آداد پنجم، سمیرامیس ملکه آشور و همسر شمش‌آداد، به نیابت از پسر خود اددنیراری سوم تا پنج سال حکمرانی نمود و در پنجمین سال فرمانروایی، اددنیرای جوان بر تخت نشست در دوران حدود ۲۷ سال وی نیز لشکرکشی‌های متعددی به شرق و غرب آشور نمود. کتیبه‌های بر جای مانده از این پادشاه نیز حاوی اطلاعات مفیدی در شناخت مناطق و حکومت‌های محلی زاگرس‌نشین می‌باشد. در کتیبه‌ای که در پایتخت خود (کلخو)^{۳۲} بروی تخته سنگ مکشوفه در سال ۱۸۴۵م. بدین‌گونه گزارش نموده است (شکل ۵):

«... از سرزمین سیلونا^{۳۳} در شرق، الیپی^{۳۴}، خارخار، آرازا، مسی، ماد (مادی)، تمام گیزیل‌بوندا، مانایی، پارسوا، الایبریا^{۳۵}، ابدادانا^{۳۶}، ... تا دریای بزرگی که در سمت شرق و خورشید از آنجا طلوع می‌کند، قرار دارد زیر سلطه خود درآوردم...» (Radner and Frame, 2016: Q004756.5 5b-).

کتیبه از سیلونا نام کوه و دریای بزرگ در شرق یاد می‌کند و ما دو گزینه برای آن پیشنهاد می‌کنیم، دریای مازندران و دریاچه اورمیه. نزدیکترین کوه به دریای مازندران که مورد نظر شاه آشور باشد می‌توان از دماوند نام برد. دستیابی به این منطقه و در واقع مرکز فلات ایران، به نظر با سایر مشخصاتی که در کتیبه مذکور است انطباق ضعیفی دارد هر چند به قطع هم نمی‌توان آن را رد کرد چرا که گیزیل‌بوندا که مورد تاخت و تاز آشوریان قرار گرفته است و سپس وارد سرزمین ماد شده‌اند، در همین مسیر قرار می‌گیرد. دریای بعدی که مورد پیشنهاد این پژوهش است،

گیزیل‌بوندا را دشت شمال و منطق با کوهستان قافلانکوه (دیاکونوف، ۱۳۹۵: ۱۵۹) دانسته است، در صورت صحت این پیشنهاد، شمش‌آداد پنجم گیزیل‌بوندا را جزو خاک ماد محسوب نمی‌کرده و برای این سرزمین هویت مستقلی از مادها قائل بوده است و هنوز اتحاد بزرگ ماد که منطقه گیزیل‌بوندا نیز جزوی از اتحاد محسوب می‌شده است، شکل نگرفته بود. اما بلافاصله بعد از غارت گیزیل‌بوندا، خبر از تهاجم به سرزمین ماد را می‌دهد. در گزارش وی، از شاه نشین یا حاکم نشین به نام ساگیتا و حاکم یا فرماندار و یا سردار مادی را هاناسیروکا می‌خواند.

ساگیتا، مرکز و پایتخت مادها، به روایت شمش‌آداد پنجم بوده است. مرکزیت مادها، در متون کلاسیک، اکباتانا منطق با همدان امروزی ذکر شده است اما کتیبه‌های آشوری از ساگیتا نام می‌برند. آنچه از لشکرکشی شمش‌آداد پنجم می‌توان استنباط کرد آن که سرزمین مادها به نظر سرزمین‌های شرقی و جنوبی گیزیل‌بوندا باشد از این رو قزل‌اوزن را در کردستان مرز بین گیزیل‌بوندا و مادها می‌توان در نظر گرفت. منطقه‌ای از سرزمین ماد که شهر حکومتی آن در آنجا قرار داشته و مورد تهاجم شمش‌آداد پنجم واقع شده است. همین‌طور این مرز، در امتداد این رودخانه تا ماهنشان (زنجان) و میانه و کوه‌های قافلانکوه کشیده می‌شده است. شمش‌آداد پنجم در لشکرکشی خود به این سرزمین، فراتر از لشکرکشی‌های پدر خود اقدام کرده و مناطق بیشتری را مورد تهاجم و غارت قرار داده است.

اما نام هاناسیروکا، در هیچ منبع غیر آشوری (شمش‌آداد پنجم) به عنوان فرمانروای مادها ذکر نشده است و این مطلب در تاریخ ماد کم و بیش با توجه به تواریخ کلاسیک، گیج‌کننده می‌شود. گذشته از این موضوع که برای روشن‌تر شدن آن باید منتظر کاوش‌های هدفمند و نتایج آن در مناطق مذکور بود، می‌توان ریشه‌های حکومت ماد را در این سده مشاهده نمود. شمش‌آداد پنجم در حدود ۸۲۳ پ.م. به سلطنت رسیده است و کتیبه مذکور را در سومین سال سلطنت خود به نگارش درآورده است. سال ۸۲۰ پ.م. سالی است که مادها حکومت و به نظر نهادهای اجتماعی آن تا به حدی از بلوغ رسیده که توانسته ارتشی مهیا نموده و

31 - Adad-nirari III

32. Kalhu/Calah

33. Siluna

34. Ellipi

35. Allabria

36. (Bīt-)Abdadāni

(۷۸۲-۷۷۳ پ.م.)، اشوردان سوم^{۳۹} (۷۵۵-۷۷۲ پ.م.) و اشورنیراری پنجم^{۴۰} (۷۴۵-۷۵۴ پ.م.) در کتیبه‌های آشوری تا کنون یافت نشده و می‌توان گفت دوران آرام و اقدامات زیرساختی و بنیادین و ارتباطات با سایر همسایگان برای مادها می‌باشد. تیگلت‌پیلرسوم تا نهمین سال سلطنتش مسغول لشکرکشی به سمت غرب و سواحل مدیترانه بوده است. ماد در کتیبه‌های تیگلت‌پیلرسوم در این سال ظاهر می‌شود (شکل ۶). شاه آشور همچون اجدادش، خبر از تصرف و غارت و ویرانی سرزمین‌ها و اقوامی از جمله ماد می‌دهد. در یکی از این کتیبه‌ها از مادها به عنوان «مادهای قدرتمند» و از کوهی به نام بیکینی^{۴۱} (Luckenbill, 1926: 281) در مناطق ماد بزرگ یاد می‌کند. وی در این کتیبه، از مادها و سرزمین‌های اطراف آن همچون پارسوا، به عنوان سرزمین‌های تحت سلطه خود نام برده است. در صورت صحت ترتیب تاریخی کتیبه‌ها را که لوکنیل پیشنهاد کرده بپذیریم، بلافاصله بعد از این کتیبه به اورارتو لشکرکشی کرده و ساردوری^{۴۲} (دوم ۷۵۶-۷۳۰ پ.م.) را شکست می‌دهد. در کتیبه‌ای دیگر که در بالای لوح گلی واقع در کلحو (نمرود)^{۴۳} باقی مانده است، دستاورد سلطه خود در هفده سال سلطنتش را از دریای تلخ (احتمالاً شور در اردن) در غرب و دریایی که خورشید غروب میکند (مدیترانه) تا کوه بیکینی و جایی که خورشید طلوع می‌کند کنار صحرای نمکی^{۴۴} (Radner and Frame, 2016: Q003460) و از طرف جنوب تا سواحل دریای پایین (خلیج فارس)، برمی‌شمارد همین‌طور تصرف چند شهر از ایلامی‌ها. کتیبه اشاره می‌کند که تیگلت‌پیلرسوم، در ماد و سرزمین‌های متصرف خود در فلات ایران، حکمرانی آشوری را گمارده و مرزهای آشور را تا دورترین نقاط شرق در سرزمین مادها، گسترش داده است. در کتیبه‌ای دیگر اشاره به دریافت خراج از مادهای شرق می‌کند (Luckenbill, 1926: 291). بنابراین سرزمین‌های ماد انقدر از مرکز آشور و سلطه

دریاچه اورمیه می‌باشد و در جنوب شرقی آن کوه سهند می‌تواند منطقه‌ای باشد مد نظر اددنیراری سوم. در این صورت می‌توان سرزمین‌های شرقی کوه سهند و مراغه جزو گیزیل‌بوندا و مناطق جنوبی‌تر آن مادها باشد. به نظر می‌رسد دوم منطبق‌تر از اولیه باشد. و شاه آشور، در کتیبه خود سرزمین‌های تحت سلطنت خود را اعم از سلطه مستقیم و یا از طریق دریافت باج و خراج از این منطقه در شرقی‌ترین سرزمین تا سواحل دریای مدیترانه در غرب می‌شمارد.



شکل ۵. کتیبه ادد نیراری سوم بر روی تخته سنگ شکسته Osama (Shukir Muhammed Amin, 2014). این متن بر روی یک تخته سنگ شکسته که توسط لوفتوس^{۳۷} در سال ۱۸۵۴ در کاله، و تپه‌های کاخ‌های شمال غربی و جنوب غربی آن یافت شد، حک شده است. این متن با نام و القاب سلطنتی شروع می‌شود (سطرهای ۱ تا ۵ الف) اما فاقد شجره‌نامه است. سپس (سطرهای ۵ ب تا ۱۴)، به طور کلی، وسعت فتوحات اددنیراری سوم را از شرق به غرب توصیف می‌کند. در این کتیبه، تسلیم دمشق (سطرهای ۱۵ تا ۲۱) و فعالیت‌های بابل (سطرهای ۲۲ تا ۲۴) اشاره شده است.

۵. داده‌های کتیبه‌های تیگلت‌پیلرسوم سوم^{۳۸} (۷۴۵-۷۲۷ پ.م.) و تحلیل آن‌ها

گزارشی از سرزمین مادها در دهه‌های هشتم تا ششم قرن هشتم پیش از میلاد و در دوران پادشاهان شلمانصرچهارم

39. Aššur-dan III
40. Ashur-nirari V
41. Mount Bikni
42. Sarduri II
43. Nimrud
44. salt desert

37 William Kennett Loftus
38. Tiglath-pileser III

خوسرآباد در شمال شرقی موصل کردستان عراق، گذاشت و آن را پایتخت خود قرار داد (Frame, 2021: 30). در مدت پادشاهی، به همسایگان چهار جهت شمال و جنوب و غرب و شرق خود لشکرکشی‌های متعددی نمود. بیشتر آنها برای سرکوب حاکمانی که در چند سال گذشته از اوضاع نا آرام داخل آشور استفاده کرده و از اطاعت آشور سر باز زده بودند (Novotny, 2024)، انجام گرفته است. این پادشاه لشکرکشی (۷۱۴ پ.م.) معروف خود به اورارتو (کرول، ۱۳۹۰) را ترتیب داده و با درهم کوبیدن آن حکومت و تصرف، غارت و ویرانی شهر معروف مذهبی ایشان، موساسیر، موجبات خودکشی (احتمالا) (Roaf, 2012) روسای اول پادشاه اورارتو گشت. و به نظر می‌رسد پادشاهی اورارتو بعد از این لشکرکشی آشور، سیر ندولی خود را آغاز کرده و تلاش‌های شاهان بعدی نتوانست بر این سیر، فایق آید.

در شرق آشور، مسیرهای ارتباطی تجاری و بازرگانی در اختیار اقوام و حاکمان منطقه‌ای از جمله مادها بوده است که شاهان پیشین وی تلاش کرده بودند آرامش نسبی در آنجا با مستقر کردن گاهی فرماندار آشوری و در برخی موارد تحمیل خراج، بوجود آورند اما در سالهای اخیر این حاکمان از دادن خراج امتناع و با برکناری حاکمان آشوری، از اطاعت آشور سر باز زده بودند (Radner and Frame, 2016: Q006483-218b). این موضوع، برای سارگون تحمل پذیر نبوده و اقدامات جدی در بازگرداندن منطقه انجام می‌دهد تا جایی که در حدود ۲۸ حاکم مادی را تحت یوغ آورده و خراج‌گذار می‌نماید.

اوضاع نابسامان چند سال قبل از بر سرکار آمدن سارگون دوم، موجب شده بود که سرزمین‌های فتح شده زارگرس توسط شاهان پیشین، از دادن خراج امتناع نمایند و همیچنین در مناطقی که آشور توانسته بود حاکم آشوری نصب نماید، آن را برکنار و خود فرمانداری منصوب و از آشور سرپیچی نموده بودند. که به تبع آن آثار زیان باری بر اقتصاد و خزانه آشور وارد می‌نموده است. سارگون برای باز گرداندن متصرفات گذشته لشکرکشی‌های متعددی به شرق (دامنه‌های شرقی زارگرس) نموده و مجدداً مناطق شرقی را

آن دور بوده است که نتواند حاکمی آشوری نصب نماید که در مواقع ضرور برای سرکوب شورش‌ها نیرو ارسال دارد و در نهایت به دریافت باج و خراج اکتفا نموده است.



شکل ۶. کتیبه سال ۷۲۸ پیش از میلاد تیگلت پیلسر سوم (موزه بریتانیا - k 3751)

حضور نام اقوام مختلف در گزارش‌های پیروزی در لشکرکشی‌های پادشاهان آشور ما را به شناخت اقوام مختلف و سرزمین‌های سکونت ایشان راهنمایی می‌کند. اما تنها یک قوم توانستند در مقابل آشور مقاومت کرده و با تشکیل اتحاد و همسویی بین اقوام مختلف، مانع از فروپاشی هویت و ساختارهای بنیادین خود همچون حکومت‌هایی مانند آشور و بابل و اورارتو و ... گردند و آن قوم، مادها بودند. این اقوام (با متحد کردن اقوام مختلف) به نظر اولین مردمانی بودند که در مقابل ظلم و جور و غارت و زورگویی و استعمار قدرت بزرگی همچون آشور ایستادگی و دست به قیام زده و خود را از زیر یوغ استبداد نجات داده (Herodotus, I: 95) و خود ساختار حکومتی منطبق با فرهنگ خود را بر پا کردند.

۶. داده‌های کتیبه‌های سارگون دوم^{۴۵} (۷۰۵-۷۲۱ پ.م.) و تحلیل آن‌ها

سارگون (Šarru-(u)kīn)، پس از برکناری برادرش شلمانصر پنجم (۷۲۶-۷۲۲ پ.م.) بر تخت نشست. از معروف‌ترین و اثرگذارترین شاهان آشور نو می‌باشد. وی بنای شهری به نام خود دورشاروکین (Dūr-Šarrukīn)، امروزه

⁴⁵. Sargon II

فلات ایران از سده‌های نهم و هشتم هزاره اول پیش از میلاد، مورد توجه امپراتوری تازه‌جان گرفته آشور قرار گرفت. شلمانصر سوم در نیمه‌های قرن نهم (پ.م.) اولین پادشاه قدرتمند آشور نو با لشکرکشی‌های متعدد خود به دامنه‌های شرقی رشته‌کوه زاگرس، توانست حکومت آشور را تا سالیان متمادی، در این منطقه بسط داده و حاصل عملکرد خود را در کتیبه‌ها برای آیندگان به ارث نهاد. به کمک این کتیبه‌ها اقوام و حکومت‌های محلی در این منطقه را در نبود آثار مستقیم خط ایشان، بیشتر مورد شناخت قرار گرفتند.

شلمانصر سوم مناطق مرکزی زاگرس را مورد تهاجم قرار می‌دهد. مناطق امروزی کردستان، کرمانشاه و همدان مورد تاخت و تاز شاه آشور قرار می‌گیرد. در ادامه این سیاست، شمش‌اداد پنجم نیز مجدداً در این مناطق دست به لشکرکشی می‌زند. نکته قابل توجه این که در کتیبه خود از شخصی به نام هاناسیروکای (Radner and Frame 2016, iii27b - Q004738.150). که به ظاهر حاکم یا فرماندار و یا فرمانده نظامی مادی و شهر سلطنتی یا حاکم نشین مادی به نام ساگیتا نام می‌برد. اطلاعات برگرفته از این کتیبه تا حدودی هر چند اندک اما می‌تواند منطقه نفوذ آشور را تا این دوره، نمایان‌تر گرداند. در باره هاناسیروکای مادی تا کنون اثری به غیر از همین کتیبه آشوری، یافت نشده است. اما در باره ساگیتا، برخی محققین اعتقاد دارند که ساگیتا بر اساس شواهدی (Dandamayev Medvedskaya; iranicaonline)، شکل آشوری و قبلی اکباتاناو واقع در دشت غربی همدان امروزی باشد. ساگیتا مرکز حکومت مادها توسط این پادشاه آشوری سقوط کرده و فرمانروای آن، هاناسیروکا کشته می‌شود.

شمش‌اداد پنجم نیز فراتر از مناطقی که شاه قبلی لشکرکشی کرده بود نتوانست برود. اددنیرای سوم شاه بعدی آشور همچنان مناطق پیشتر غارت شده آشور را تثبیت نموده است. در منطقه استان همدان، مناطق مادی نشین، کمی فراتر می‌رود. البته با نام بردن از سرزمین سیلونا و دریایی که خورشید از آن طلوع میکند، و نیز گیزیل‌بوندا، تصور بر این هست که توانسته در مناطق شمالی نیز فتوحاتی بدست آورد. اددنیرای سوم ضمن ذکر سرزمین

به تصرف خود درآورده و فرماندار خود را در انجا منصوب نمود. در یکی از این لشکرکشی‌ها وارد خارخار شهر مهم مادها گردیده و ضمن غارت آن، اسم آن شهر را نیز به (Frame, 2021: 144) تغییر داده و از سوی خود فرمانداری در انجا نصب نمود (Radner and Frame 2016, Q006482.70 96b). همچنان اشاره می‌کند که بیست و هشت حاکم دیگر ماد بر ایشان باج و خراج و هدایا فرستادند. سارگون دوم در سال ۷۰۵ پ.م (Bryce, 2012: 288) در جریان لشکرکشی به سرزمین تابال (ibid) کشته می‌شود. (Tadmor, 1958: 77)

۷. مادها در سیطره آشور - روند فراز مادها

جانمایی دقیق همه مکان‌های اشاره شده در کتیبه‌ها، بسیار دشوار و غیرقابل امکان می‌باشد ضمن آنکه از حوصله این پژوهش خارج می‌باشد اما امیدواریم نتایج کاوشهای آینده، این امکان را مهیا سازد. با توجه به مسیر لشکرکشی‌های متعدد آشوریان، نگارنده می‌تواند تا حدودی برخی از این سرزمین‌ها را مورد شناسایی قرار داده و پیشنهاد نماید: نامری چنانکه قبلاً اشاره شد، منطقه کوهستانی جنوبی زاب سفلی و منطقه عمومی سلیمانیه و پنجوبین و شمال رود دیاله در عراق منطبق است. حمبان در همسایگی نامری و نزدیک به منطقه سرپل‌ذهاب بوده (لوین نیز حمبان را منطبق با اطراف سرپل‌ذهاب می‌داند) (Levine; iranicaonline) و پارسوا نیز همسایه شرقی نامری و جنوب شرقی آن منطبق با جنوب و غرب کردستان و کرمانشاه و قسمت‌های شمالی ایلام می‌باشد. مسی را می‌توان میان مناطق بین رودهای قزل‌اوزن و زربینه رود انتظار داشت و ماد شرق پارسوا و مسی تا سواحل قزیل‌اوزن و مناطق استان همدان و شرق آن را در این دوره پیشنهاد می‌نماید. آراز‌یاش به نظر شمال و شمال شرقی پارسوا و غرب ماد قرار می‌گیرد. منطقه خارخار در شمال آراز‌یاش واقع می‌شود و تعیین مکان و منطقه مادی کواکیندا، هازانابی و اسامول و کینابلایلا به نظر جایی در لرستان امروز باید باشد.

میان‌رودان بوده است در ضمن سرزمین‌های شرقی نیز برای این منظور به حد کافی جذاب بوده است. و همین‌طور وجود منابع سرشار دام و طیور که به لحاظ وجود فرهنگ کوچ‌نشینی در مردمان زاگرس نشین و اسب‌ها و سایر چهارپایان مفید، منبع خوبی برای تامین لشکریان بوده است. دومین دلیل نیز مسیر بازرگانی و جاده تجارت از آسیا که به دنیای فلات ایران متصل و خود ثروت سرشاری را برای سرزمین سرازیر می‌نمود از عوامل اصلی تهاجم مردمان شمالی میان‌رودان به شمار می‌رود (شکل ۲).

۸. نتیجه‌گیری

سده نهم پیش از میلاد فلات ایران و میان‌دورود به ویژه دامنه‌های رشته کوه زاگرس، بستر رخداد‌های مهمی بود که سرنوشت مردمان ساکن منطقه و اقوام مهاجر را رقم می‌زد. در سده‌های پیشین، منطقه شاهد ورود مهاجرین که رویدادهای پسین نشان داد که به دنبال حکومت بوده‌اند از یک طرف و از سویی دیگر جان‌گیری مجدد امپراتوری میان‌دورود و احیای مجدد آن که به حق آن را نوآشوری خوانده‌اند از سوی دیگر، معادلات سیاسی، نظامی و حتی اقتصادی منطقه را دگرگون کرده و این سرزمین را تا چند سده پیش رو، دچار ناآرامی و جنگ بر سر قدرت حاکمیت نمود. نقش اصلی این تحولات نظامی را قدرت ویرانگر آشور نو ایفا می‌کرد. هژمونی امپریالیستی حاکم بر آشور، موجب سلطه‌گری و لشکرکشی‌های ویرانگر و غارتگر می‌شد. وجود جاده تجاری خراسان بزرگ که مانند شاه‌رگ اصلی اقتصاد شرق و غرب آن دوره عمل می‌نمود، بر تسلط بر این منطقه دلیل موجهی را ایجاد می‌کرد. با توجه به داده‌های فوق، اولین پادشاه آشور که فکر پادشاهی به چهارگوشه جهان را در سر می‌پروراند شلمانصر سوم بوده است که با لشکرکشی‌های خود به سمت شرق، وارد دامنه‌های حاصلخیز زاگرس گردیده و نتایج عملیات نظامی خود را برای آیندگان در کتیبه‌هایی که از خود برجای نهاده است، بیان نموده است. و این امر موجب می‌شود که مادها و سایر اقوام ساکن در فلات ایران، پا به عرصه تاریخ گذارد. برخلاف عقیده برخی محققین غربی که مادها را فاقد

سیلونا از گیزیل‌بوند، مونا، الایبریا، سرزمین نایری، سرزمین اندیو، رشته‌کوه بیلچو (Radner and Frame, 2016: 5b - Q004756.5 و دریای بزرگی که در سمت شرق قرار دارد یاد می‌کند. این نام‌ها ما را در ترسیم گستره نفوذ آشور در دوره مذکور یاری می‌رساند.

تیگلت‌پیلسر سوم نیز با ذکر برخی نام‌جای‌ها ما را بیشتر در ترسیم مناطق ماد، تحت نفوذ آشوری در این دوره رهنمون می‌سازد: بیت‌کاپسی^{۴۶}، بیت سنگی^{۴۷}، و بیت اورزاکی^{۴۸}، شهرهای بیت ایشتار^{۴۹} و زکروته^{۵۰}، که متعلق به مادهای قدرتمند بود. تیگلت‌پیلسر سوم پا را فراتر از پادشاهان قبلی خود نهاده و خبر از غارت و تحت سلطه درآوردن مناطق مادهای قدرتمند در عمق فلات ایران تا کوه دماوند (بیکی‌نی) و صحرای نمک هم‌جوار آن و نیز دریایی که خورشید از آن طلوع میکند (دریای مازندران) می‌دهد. در دهه‌های انتهایی قرن هشتم پیش از میلاد، سارگون دوم توانست با لشکرکشی‌های خود، خارخار، شهر مهم مادها را که در منطقه بین استان همدان و کرمانشاه قرار داشته است را تصرف و نام آن را به کان شارکین تغییر دهد و فرمانروایی از خود در انجا مستقر نموده و از حاکمان منطقه‌ای مادها باج و خراج دریافت نماید.

با توجه به مسیر تجاری خراسان بزرگ و مناطق و شهرها و آبادی‌های شکل گرفته در اطراف آن که عموماً نسبت به شهرها و آبادی‌های دیگر از وضعیت اقتصادی و آبادانی مناسب‌تری برخوردار بوده‌اند، طمع همسایه قدرتمند غربی یعنی آشور را همواره برانگیخته و این حکومت برای بقا و تامین هزینه‌های لشکریان خود به دو جهت، نیازمند مناطق و سرزمین‌های شرقی بوده‌اند. ابتدا به لحاظ عدم حاصلخیزی و عدم قابلیت کشت سرزمین‌های شمالی میان‌رودان که اغلب آن کوهستانی بوده و امکان بهره‌برداری کشاورزی به حد کافی نداشته است، ضمن این که این موضوع از دلایل مهم سیطره آشور بر جنوب

46. Bīt-Kapsi

47. Bīt-Sangi

48. Bīt-Urzakki

49. Bīt-Ištar

50. Zakrute

شرقی‌ترین مناطق یادکرده کتیبه‌های آشور به نظر تا بیابان‌های شمالی قم و حاشیه جنوبی مسیر تجاری و منطقه شمال غربی دریای نمک شمال کاشان، مناطقی که حداکثر لشکریان آشور می‌توانسته‌اند وارد فلات گردند و به نظر می‌رسد دریای بزرگ شرقی مذکور در کتیبه‌ها نیز دریاچه اورمیه باشد هر چند دریای مازندران نیز در این پهنه قابل ملاحظه می‌باشد و کوه مذکور نیز سه‌پند واقع در شمال مراغه البته نشانه‌های در دهه‌های آتی وجود دارد که کوه دماوند نیز به لحاظ ذکر صحرای نمکزار، مورد نظر کتیبه‌های پسین آشور بوده باشد. منطقه ذکر شده مسکون اقوام مادها بوده که آشوریان از آنجا مناطق دوردست مادهای قدرتمند نام برده اند. به نظر می‌رسد در این دوره، شاهان آشور برای غارت توانسته‌اند تا این میزان نفوذ یابند و وارد سرزمین‌های مادی گردند و به غارت بسنده نموده و نتوانسته‌اند حاکم آشوری را در این مناطق مستقر نمایند. در این دوره آشور تمایل به بسط قدرت خود به مناطقی دوردست‌تر از مسیر تجاری نداشته‌اند و به نظر می‌رسد این لشکرکشی‌ها با هدف ایجاد امنیت برای راه‌های بازرگانی که از جاده بزرگ خراسان نشأت می‌گرفت صورت پذیرفته است. از شاخص‌ترین ویژگی‌های مادها و به گونه‌ای که شاهان آشورنو اذعان می‌نمایند بخصوص شمش‌اداد پنجم، حکومت و وجود شهرهای زیاد برای این حکومت و گستردگی و نیرومند و قدرتمند بودن ایشان حتی در نقاط دور از دسترس آشوریان و ارتش و سربازان این حکومت را می‌توان ذکر کرد. وجود شهر سلطنتی و شهرهای تحت حاکمیت و نیز افراد و سربازان و مدافعان این شهرها، از مشخصه‌های روشن وجود یک حاکمیت و دیوان سالاری می‌باشد. بنابراین لاجرم به پذیرفتن وجود حاکمیت گسترده مادها از سده نهم پیش از میلاد تا اواخر سده هشتم آن و همچنین پیوستن اقوام مختلف فلات که نام و نشان آنها در کتیبه‌های پادشاهان ابتدایی دوره آشورنو برده شده و سیر اضمحلال و از بین رفتن ایشان به ترتیبی که نام و نشانی دیگر در کتیبه‌های پادشاهان بعدی آشور وجود ندارد، به این نتیجه می‌رسیم که اقوام مادها توانستند در بستر دو سده مذکور، ضمن ایستادگی در مقابل لشکرکشی‌های ویرانگر

حکومت میدانند، با تدقیق در رفتارهای نظامی پادشاهان آشور و گزارش‌های آن در کتیبه‌های این دوسده به وضوح نشان از حکومت‌های منطقه‌ای اقوام مختلف در ابتدای این دو سده و با توجه به نیاز دفاع از خود و مقابله با هجوم و لشکرکشی‌های غارتگر دشمنان، اقدام به اتحاد این اقوام و تشکیل نوعی نظام حکومتی ملوک‌الطوایفی و ایجاد قدرتی بازدارنده تحت رهبری مادها گردید. با در نظر گرفتن پیوستاری کتیبه‌های این دو سده، میتوان به روند شکل‌گیری حکومتی مادها پی برد. به ترتیبی که از مادها در میانه‌های قرن نهم کمتر یاد میشود اما در طول سالیان و ده‌ها سال آینده، از مادها به وفور نام برده شده است. در ابتدا مادها اقوامی بوده‌اند که پادشاه آشوری با ذکر نام این قوم در کنار اقوام دیگر، با فاصله حدود یک سده، نام مادها تبدیل میشود به مادهای قدرتمند دوردست. این روند نشان از وجود اقوامی حکومت گر و صاحب حکومت که کتیبه‌های آشوری با ذکر نام شهرهای سلطنتی مادها و سرداران و فرمانداران مادی، مهر تایید بر آن زده‌اند. بنا بر این میتوان نتیجه‌گیری نمود که دولت مادها به شکلی آرام و پیوسته و از اتحاد اقوام مختلف بومی، از حدود میانه‌های سده نهم پیش از میلاد اقدام به ایجاد حکومتی فراگیر و فرامنطقه‌ای و نه منطقه‌ای و محدود، نموده است. اقوام بیان شده، نتوانسته بودند فرهنگ خود را در پهنه فلات گسترش نمایند و دیری نپایید این گستردگی، فراگیر گردیده و در پهنه این سرزمین اقدام به ایجاد حکومت نمایند. به یاری این گزارش‌ها می‌توان تا حدودی جغرافیای سیاسی زاگرس نشینان و در راس آنان اقوام مادها را ترسیم کنیم. با توجه به مسیر بازرگانی خراسان، و بررسی و شناسایی مسیرهای لشکرکشی آشور و با توجه به نکات قید شده در کتیبه‌ها و عنایت به ماندگاری نام قوم حکومتگر و تاثیر مهم در آینده سیاسی منطقه، میتوان مناطق مادی نشین و همین‌طور اقوامی که طولی نکشید با پیوستن به اتحاد و تشکیل حکومت پایدار در آینده‌ای نه چندان دور، در پهنه فلات ایران، مناطق تحت نفوذ آشوری را معین نمود.

با توجه به داده‌های فوق تا حدودی می‌توان مناطق تحت نفوذ آشور را در غرب فلات ایران، مشخص نمود.

که چهار از یزدان داشت: مجموعه مقالاتی به یادبود علیرضا شاپور شهبازی (صص. ۹۵-۱۱۲). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

Budge, E. A. W., & King, L. W. (Eds.). (1902). *Annals of the kings of Assyria: The cuneiform texts with translations, transliterations, etc., from the original documents in the British Museum* (Vol. 1). British Museum.

Encyclopaedia Britannica Editors. (2020, April 3). Kassite. *Encyclopaedia Britannica*. <https://www.britannica.com/topic/Kassite>

Bryce, T. (2012). *The world of the Neo-Hittite kingdoms: A political and military history*. Oxford University Press.

Dandamayev, M., & Medvedskaya, I. (2024, September 21). Media. *Encyclopædia Iranica* (online edition). <https://www.iranicaonline.org/articles/media>

Frame, G. (2021). *The royal inscriptions of Sargon II, king of Assyria (721–705 BC)*. In *The Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period* (Vol. 2). Penn State University Press.

Grayson, A. K. (1996). *Assyrian rulers of the early first millennium BC II (858–745 BC)*. University of Toronto Press. (RIMA)

Kienast, B. (1999). The so-called Median Empire. *Bulletin of the Canadian Society for Mesopotamian Studies*, 34, 59–67.

Levin, L. D. (2024, September 21). Bīt Hamban. *Encyclopædia Iranica* (online edition). <https://www.iranicaonline.org/articles/bit-hamban-also-bit-habban-a-district-on-the-iranian-iraqi-frontier>

Luckenbill, D. D. (1926). *Ancient records of Assyria and Babylonia: Historical records of Assyria from the earliest times to Sargon* (Vol. 1). University of Chicago Press.

Novotny, J., & Firouzi, S. (2023). Revising the locations of several cities in the western region of the Iranian Plateau. *State Archives of Assyria Bulletin*, 7–30.

Novotny, J. (2024). Sargon II (721–705 BC). In *The Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period* (RINAP Project). <https://oracc.museum.upenn.edu/rinap/Neo-AssyrianHistoryOverview/SargonII721-705BC/>

Amin, O. S. M. (2014). Stela of the Assyrian king Adad-Nirari III. *World History Encyclopedia*.

آشور خود را نه تنها حفظ کرده بلکه از به هم پیوستن اقوام مختلف بومی حاضر در منطقه و در سال‌های پایانی قرن هشتم و ابتدایی قرن هفتم پیش از میلاد تبدیل به قدرتی بالا و تأثیرگذار در معادلات سیاسی سده‌های آتی گردیدند.

منابع

بادنج، رقیه. (۱۳۹۰). زاب (۱). دانشنامه جهان اسلام، ۲۱، ۱۴۰-۱۳۶.

بهزادی، رقیه. (۱۳۶۹). قوم‌های کم‌شناخته کهن: کاسی‌ها. چیستا، ۷۰، ۱۳۲۷-۱۳۲۰.

داندامایف، محمد. (۱۴۰۰). دربار و درباریان در دوره مادها و هخامنشیان (ترجمه منصور حمدالله‌زاده). دوفصلنامه مطالعات ایران کهن، ۱(۱)، ۱-۱۳.

دیاکونف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۹۵). تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز، چاپ یازدهم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کرول، اشتفان. (۱۳۹۰). لشکرکشی هشتم سارگون دوم: نگاهی نو به دیدگاه‌های سنتی. در اسکار وایت ماسکارلا و صمد علیون (خواجهدیزج) (گردآوری، تحقیق و ترجمه)، گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو از منظر جغرافیای تاریخی، ادبی و عقیدتی. تبریز: نشر اختر.

ملازاده، کاظم. (۱۳۹۴). باستان‌شناسی ماد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). (چاپ دوم)

ملکزاده، مهرداد. (۱۳۸۰). یادداشت‌هایی از گون درباره تاریخ و باستان‌شناسی دوره ماد. فصلنامه باستان‌پژوهی، ۸، ۲۲-۱۰.

ملکزاده، مهرداد. (۱۳۹۲). ایران در پگاه تاریخ. در تاریخ جامع ایران (جلد ۱ از ۲۰، صص. ۲۰۱-۲۳۴). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

ملکزاده، مهرداد. (۱۴۰۲). حدود و سازمان‌های شاهنشاهی ماد (مقاله‌ای منتشر نشده از ع. شاپور شهبازی). در کامیار عبدی و محمدتقی عطائی (به کوشش)، به شاپور

the *LIVE Rencontre Assyriologique Internationale* (pp. 771–789). Harrassowitz.

Rollinger, R. (1999). *Zur Lokalisierung von Parsu(m)a(š) in der Fārs und zu einigen Fragen der frühen persischen Geschichte*.

Rollinger, R. (2003). The western expansion of the Median Empire: A re-examination. In *Continuity of empire* (pp. 289–319).

Rollinger, R. (2008). The Median Empire, the end of Urartu and Cyrus the Great's campaign in 547 BC. *Ancient West & East*, 7, 51–65.

Sancisi-Weerdenburg, H. (1988). Was there ever a Median Empire? In *Achaemenid History III* (pp. 197–212).

Sancisi-Weerdenburg, H. (1994). The construction and the distribution of an ideology in the Achaemenid Empire. In *Pivot politics: Changing cultural identities in early state formation processes* (pp. 101–119).

Sancisi-Weerdenburg, H. (1995). *Politics and belief in Herodotus*.

Tadmor, H. (1958). The campaign of Sargon II of Assur: A chronological–historical study. *Journal of Cuneiform Studies*, 12, 22–40, 77–100.

Yamada, S. (2000). *The construction of the Assyrian Empire: A historical study of the inscriptions of Shalmaneser III (859–824 BC) relating to his campaigns to the West* (Vol. 3). Brill.

Zadok, R. (2015). Kassites. *Encyclopædia Iranica* (online edition). <http://www.iranicaonline.org/articles/kassites>

<https://www.worldhistory.org/image/2552/stela-of-the-assyrian-king-adad-nirari-iii/>

Radner, K., & Frame, G. (Eds.). (2016–). Q003460. In *Royal Inscriptions of Assyria Online* (RIAO). Ludwig-Maximilians-Universität München.

<https://oracc.museum.upenn.edu/riao/Q003460>

Radner, K., & Frame, G. (Eds.). (2016–). Q004738.150. In *Royal Inscriptions of Assyria Online* (RIAO). Ludwig-Maximilians-Universität München.

<https://oracc.museum.upenn.edu/riao/Q004738.150>

Radner, K., & Frame, G. (Eds.). (2016–). Q004756.5. In *Royal Inscriptions of Assyria Online* (RIAO). Ludwig-Maximilians-Universität München.

<https://oracc.museum.upenn.edu/riao/Q004756.5>

Radner, K., & Frame, G. (Eds.). (2016–). Q006483_project-en12–218b. In *Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period* (RINAP). Ludwig-Maximilians-Universität München.

https://oracc.museum.upenn.edu/rinap/Q006483_project-en.12

Radner, K., & Frame, G. (Eds.). (2016–). Q006482.70. In *Royal Inscriptions of the Neo-Assyrian Period* (RINAP). Ludwig-Maximilians-Universität München.

<https://oracc.museum.upenn.edu/rinap/Q006482.70>

Roaf, M. (2012). Did Rusa commit suicide? In *Organization, representation, and symbols of power in the Ancient Near East: Proceedings of*